داستان

فقر به عبارت اکرم

مریم پیمان

● یا عماد من لا عماد له. در بین ابروان پرپشت او تنها تصویر تپه‌های به‌هم‌رسیده منتظر طلوع خورشید امید را می‌بینم. صورت خندانش زندگی را به یاد تن خسته از راهم می‌آورد. دختر نوجوانی که سیاهی چشمانش شب را و برق آنها ستارگان آسمان صاف دشت را در من زنده می‌کند. همراه من از صخره‌ها به سمت دیشموک بالا می‌رود. اکرم ۱۷ساله در ۱۰سالگی پدرش را از دست داده است. به‌راحتی، اثری از غم در چهره او نیست. «من تنها نیستم». صدایش در باد محو می‌شود و در سر من انعکاس مکرری پیدا می‌کند. تنهایی، تنهایی، تنهایی. باور دارد که خدا، خانواده و دوستانش در کنار او هستند و او تنها نیست. در آپارتمان را می‌بندم. بار دیگر در متراژ اندک آن غرق می‌شوم و تنهایی را باور می‌کنم. هیچ صدایی نیست، هیچ حرفی و هیچ کلمه‌ای. وسایلم را روی مبل رها می‌کنم و می‌نشینم. به درخت درون تابلو خیره می‌شوم. تکیه می‌دهم و به درخت‌هایی فکر می‌کنم که هرروز شاهد تلاش دخترک برای مدرسه‌رفتن، کارکردن و در یک کلمه زندگی‌کردن هستند. کار سختی است تخیل من در قالب او و بسی سهل تصور او در جایگاه من. «معلم‌هایمان دانش کافی ندارند تا بتوانند بیشتر آموزش بدهند تا در کنکور موفق‌تر باشم». در بهترین مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها درس خواندم و همیشه از وضعیت درسی گله داشتم. نقد من و اکرم قابل مقایسه نیست. صدای اکرم در حرف‌های پدرم محو می‌شود؛ «کلاس کنکور لزومی ندارد. پس آن بچه‌های روستاهای دورافتاده چطوری جزء نفرات اول کنکور می‌شوند؟» چقدر از او خواهش کردم که در کلاس‌های تقویتی و کنکور ثبت‌نام شوم و او نپذیرفت و حالا اکرم همه سرفصل‌های درسی کتاب‌های مدرسه را در مدرسه هم نمی‌تواند بیاموزد، چون معلم‌ها آموزش کافی ندیده‌اند. روی مبل رها می‌شوم و به سقف سفیدرنگ و گچبری‌های ساده‌اش خیره. فقر تنها یک معنی ندارد و من هرروز این تنوع معنایی را بیشتروبیشتر کشف می‌کنم. نبود منابع اقتصادی برای هرکس سطح خاصی از معنا را دارد و برای این دختر معنای نداشتن تبلت، لپ‌تاپ، آیفون و... را ندارد. او فقر را نبود یک معلم توانا به تدریس همه مواد یک کتاب درسی در روستای امامزاده پهلوان دهدشت استان کهگیلویه‌وبویراحمد معنا می‌کند و من فقر را سکوت مطلق به همه تردیدها و پرسش‌های دردل‌مانده‌ام. پشت صورت خندانش به دیشموک نرسیده، برایم رازهایی فاش می‌شود؛ مادرش بیمار است. پس از فوت پدر، نازی‌بی، مادر اکرم فقط ۳۸ سال داشت و تنها منبع درآمد خانواده، یعنی چند رأس گاو را برای عروسی پسرانش فروخت. حالا او بیش از بیماری، از افسردگی حاد رنج می‌برد و دغدغه مهم اکرم این درد و رنج است و مادرش نگران امتحان دشوار کنکور اوست. همه‌چیز نشان می‌دهد که او در رشته موردعلاقه‌اش پذیرفته خواهد شد. با زنی حرف می‌زند. هیچ از میان آنها نمی‌فهمم. صدایش تغییر می‌کند. روی شانه‌اش دست می‌گذارم. اشک در چشم‌های درشت و زیبایش می‌نشیند. تمام‌رخ به صورتم نگاه می‌کند؛ «کاش! بتوانم برای مردم منطقه‌ام کاری کنم».

عکس: مهر

بررسی مهم‌ترین چالش‌های پایتخت با نگاهی آماری

شرح مصائب تهران

علی جعفری‌شهرستانی*: در یادداشت پیش‌رو به بهانه شروع‌به‌کار شورای جدید شهر تهران و در آستانه آغاز به کار شهردار، هفت محور عمده از مسائل و مشکلات عملکردی شهرداری تهران بررسی شده‌اند؛ موانعی که اگر به‌درستی شناسایی و ارزیابی نشوند و مورد توجه قرار نگیرند، همان‌گونه که در دهه گذشته فربه‌تر شده‌اند، کماکان استمرار می‌یابند و شهردار و متولیان آتی اداره شهر را با چالش کارآمدی مواجه می‌کنند. ریشه‌یابی این مسائل نیاز به تحلیل نهادی جدی دارد که در این فرصت نمی‌گنجد؛ اما مرور این موانع می‌تواند گامی مهم در راستای آن باشد.

۱. بودجه و درآمدهای ناپایدار

در ۱۲ سال گذشته؛ یعنی از سال ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۵ بودجه مصوب شهرداری از ۱۴ هزار میلیارد ریال به ۱۷۸،۸ هزار میلیارد ریال رسیده است. به عبارتی بهتر در مدت ۱۲ سال حدودا ۱۳ برابر شده است. آنچه بدیهی است، بخشی از این افزایش به دلیل افزایش سطح عمومی قیمت‌هاست. با توجه به آمار و اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در سال ۱۳۸۴ براساس سال پایه ۱۳۹۰ معادل ۳۹،۸ واحد بوده که در انتهای سال ۱۳۹۵ به ۲۴۸ واحد رسیده است. به عبارتی بهتر شاخص قیمت‌ها ۶،۲ برابر شده است. مقایسه این آمار نشان می‌دهد که در ۱۰ سال گذشته بودجه مصوب واقعی شهرداری حدود هفت برابر شده است. عملکرد بودجه شهرداری هم به طور میانگین تقریبا صددرصد بوده است. با وجود این حجم از افزایش بودجه، براساس گزارش‌های بین‌المللی رتبه تهران در کیفیت زندگی در حال کاهش بوده و در قعر جدول قرار داشته است. براساس رتبه‌بندی شاخص کیفیت زندگی مؤسسه بین‌المللی مِرکِر، تهران در سال ۲۰۱۱ در رتبه ۱۸۷ دنیا بوده که در سال ۲۰۱۷ به جایگاه ۱۹۹ تنزل یافته است. سهم درآمدهای پایدار از کل درآمدهای شهرداری از ۱۵ درصد به حدودا ۳۵ درصد رسیده؛ یعنی در دهه گذشته تنها ۲۰ درصد افزایش داشته است. شایان ذکر است افزایش درخورتوجهی از درآمدهای پایدار مربوط به اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده است که می‌توان اثر آن را در سال ۱۳۸۹ مشاهده کرد. در سال ۱۳۸۹ درآمدهای پایدار ۱۱،۵ هزار میلیارد ریال بوده است. این در حالی است که در سال قبل (۱۳۸۸) برای درآمدهای پایدار رقمی معادل شش هزار میلیارد ریال محاسبه شده است؛ بنابراین افزایش حدود ۹۲درصدی حکایت از سهم درخورتوجه درآمدهای حاصل از مالیات بر ارزش افزوده از درآمدهای پایدار شهرداری دارد. دو منبع اصلی درآمد شهرداری تهران شامل تغییر کاربری و عوارض مازاد تراکم مجاز که در سال‌های گذشته بیش از ۵۰ درصد منابع مالی اداره شهر بر آن متکی بوده؛ تنها در بودجه سال ۹۵ شهرداری تهران پیش‌بینی کسب درآمد از این دو ردیف معادل هفت هزارو ۹۰۰ میلیارد تومان بوده است. البته آماری از مازاد تراکم غیرمجاز واگذارشده در شهر تهران که علی‌القاعده نباید کم هم باشد، در دست نیست. درحال‌حاضر معضل عمده شهرداری تهران، کسب درآمد ناپایدار به‌ویژه از طریق تراکم‌فروشی است که علاوه بر تأثیرات منفی آن بر محیط زیست شهری و عدالت بین‌نسلی، در شرایط ناپایداری و رکود بازار مسکن، عملا منجر به رکود فعالیت‌های مدیریت شهری و کاهش گسترده توان بالفعل خدمت‌رسانی می‌شود.

همچنین این وضعیت تک‌منبعی در کسب درآمد صراحتا مباین با سیاست‌های کلی نظام در حوزه اقتصاد مقاومتی است. در کنار این موارد باید به رقم بدهی‌های شهرداری هم اشاره کرد که بسیار غیرشفاف است. منتقدان و اعضای شورای شهر آن را تا ۶۰ هزار میلیارد تومان، خود شهرداری آن را سه هزار میلیارد تومان و اخیرا رئیس فعلی شورای شهر آن را حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان اعلام کرده. این بدهی‌ها باید شفاف شود و اصولا اصل اول در شفافیت همین مشخص‌شدن دخل و خرج است.

۲. انحراف سازمان از انجام وظایف اصلی

در این ۱۲ سال شهرداری تهران به صورت مداوم شعار تبدیل سازمان خدماتی به نهاد اجتماعی را سر داده است که البته در صورت اجرای صحیح می‌توانست گامی مهم در اداره شهر تهران تلقی شود؛ اما متأسفانه این اتفاق نیفتاد و شهرداری روزبه‌روز از انجام وظایف اصلی خود دورتر شده است. این راهبرد کلان، نظام تخصیص منابع بودجه‌ای شهر را نیز دچار مشکل کرده؛ به‌گونه‌ای که اولویت‌ها مورد توجه قرار نگرفته‌اند. به‌عنوان نمونه بودجه افزایش ایمنی اماکن که از خدمات اصلی شهرداری تهران است و بی‌توجهی به آن که در چند ماه گذشته منجر به حادثه پلاسکو شد، تنها ۱۵،۶ میلیارد ریال بوده است. درحالی‌که بودجه کمک به ساخت و توسعه مساجد و اماکن مذهبی که هیچ‌کدام کارویژه قانونی شهرداری تهران نبوده‌اند، به ترتیب ۱۸،۲ و ۱۵۱،۷ میلیارد ریال بوده‌اند. بودجه ستاد سد معبر شهرداری تهران نیز ۴۲ میلیارد ریال بوده است.

۳. فساد سیستماتیک؛ ۲ نمونه فاجعه‌آمیز

در حوزه فساد، دریافت زیرمیزی و رشوه به صورت غیررسمی بیماری رایج دستگاه‌های عمومی است و در این قسمت مدنظر نیست.اما فساد سیستماتیک مسئله‌ای است که از کژکاری‌های نهادی (رویه‌ها و مقررات) سازمان ناشی می‌شود و به شکلی سیستماتیک تعمیق می‌یابد و متأسفانه در شهرداری تهران به‌وضوح مشاهده می‌شود که در اینجا تنها به دو مورد از آن اشاره می‌شود؛ طرح جامع شهر تهران، مصوب ۱۳۸۵ که از سال ۱۳۸۶ اجرائی شده، تکلیف کاربری‌ها و اندازه طبقات و بار تراکم مجاز را در سطح شهر مشخص کرده است و بنا بود مانعی باشد در مقابل تخلفات ساخت‌وساز و تغییر کاربری‌ها. همین قانون کمیسیون‌هایی را برای این موضوع مشخص کرده است؛ کمیسیون ماده ۱۰۰ و کمیسیون ماده ۵. این دو کمیسیون درحال‌حاضر بر تخلفات نظارت می‌کنند اما به جای برخورد در مواردی پرشمار، با گرفتن مبلغی به‌عنوان جریمه، چشم خود را بر این تخلفات می‌بندند. در واقع قانون طرح جامع، کمیسیونی را برای دورزدن طرح پیش‌بینی کرده است. وقتی هم اعتراض می‌شود می‌گویند قانونی است. این معنایی به‌جز فساد سیستماتیک ندارد. در نمونه دوم، تعاونی‌های مسکنی در مجموعه شهرداری تهران تشکیل شده و به نام کارکنان، زمین‌هایی به افراد خاص واگذار شده است که بعضا حتی در مجموعه شهرداری نیز شاغل نبوده‌اند. در چند ماه گذشته گزارشی از سازمان بازرسی حاوی نام ۳۰۰ نفر منتشر شد. براساس این گزارش املاکی که تقریبا نصف قیمت آزاد، ارزش‌گذاری شده بودند، با ۵۰ درصد تخفیف (یعنی در مجموع ۷۵ درصد تخفیف) با اقساط بلندمدت و بدون بهره به این افراد واگذار شده است که شرح آن در چند ماه گذشته در رسانه‌ها به تفصیل آورده شده است.

۴. نقش‌آفرینی محور شهرداری تهران در سوداگری ساختمان و ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی

نتیجه تأمین مالی پروژه‌های شهری از طریق تهاتر، چیزی جز افزایش بی‌رویه مال‌های تجاری و ابرسازه‌های مسکونی و در نهایت مصرف‌گرایی نبوده و به سوداگری زمین و مسکن در شهر تهران به‌شدت دامن زده است. فقط در سال ۹۱، تعداد پروانه‌های تجاری صادره ۱۳۸ برابر و تعداد پروانه‌های اداری صادره ۵۰ برابر سال پیش از آن شده است. جالب این است که تعداد پروانه‌های تجاری سال ۹۱ حدود ۲۵ برابر (۲۴،۳۵) کل پروانه‌های صادره در ۱۰ سال پیش از آن، یعنی سال‌های ۸۱ تا ۹۰ بوده است. این معضل به‌ویژه در مناطق شمال شهر و منطقه ۲۲ جدی است و سطح اشغال (نسبت زمین اشغال‌شده به خالی) حدودا دو تا سه‌برابر میانگین شهر تهران است. از عوارض مهم این شیوه تأمین مالی پروژه‌ها نیز، ترافیک سرسام‌آور و روزافزون مناطق شمالی شهر تهران است. عوارض بسیاری از پروژه‌های بزرگ‌مقیاس شهری، مثل دریاچه خلیج فارس یا اتوبان‌سازی‌های گسترده در مناطق شمالی شهر همیشه افزایش قیمت مسکن بوده است. ساخت‌وسازهای بی‌رویه آن‌هم در شرایطی که براساس سرشماری ۱۳۹۵ در شهر تهران حدود نیم‌میلیون واحد مسکونی خالی وجود دارد، گواهی بر این مدعاست.

۵. سیاست‌گذاری اشتباه در حوزه حمل‌ونقل

سیاست‌گذاری اشتباه مدیریت شهری در دهه گذشته مشوق افزایش آلودگی بوده است. در سال‌های ۸۴ تا ۹۲ حدود ۲۰۰ کیلومتر اتوبان به طول شبکه بزرگراهی پایتخت افزوده شده، درحالی‌که فقط ۷۳ کیلومتر مترو در پایتخت ایجاد شده است؛ یعنی اولویت با تشویق حمل‌ونقل شخصی بوده است. البته از سال ۹۲ تا امروز شهرداری تهران با تصحیح این سیاست، به سرعت در حال ساخت و بهره‌برداری از خطوط مترو است. تعداد سفرهای روزانه شهری تا سال ۹۲، با شتابی بیشتر از سفرهای جذب‌شده به وسیله حمل‌ونقل عمومی افزایش یافته است. در فاصله سال‌های ۸۹ تا ۹۳ از دو میلیون و ۱۰۰هزار سفر افزایش یافته در شهر تهران، حدود ۵۰۰ هزار سفر شخصی اضافه شده است که ناگفته پیداست چه تأثیرات ترافیکی در شهر دارد. یعنی سیاست شهرداری تهران باعث افزایش حمل‌ونقل شخصی و استفاده از خودرو در سطح شهر شده است که تبعاتش را در آلوده‌ترشدن هوای تهران به‌خوبی می‌توان دید. البته در سه‌سال گذشته، توسعه شتابان مترو و تغییر اولویت‌های حمل‌ونقلی به‌نفع حمل‌ونقل عمومی، تا حد زیادی نقیصه قبلی را جبران کرده است.

۶. بافت‌های فرسوده؛ فاجعه قریب‌الوقوع

سهم شهر تهران از بافت‌های فرسوده مصوب شهری ۳۲۶۸ هکتار (پنج درصد از مساحت شهر تهران) است . نسبت بافت‌های ناپایدار به مساحت شهری تهران نیز ۲۴ درصد است که دربرگیرنده ۲۷ درصد از واحدهای مسکونی و ۳۷ درصد جمعیت شهری است. درحال‌حاضر حدود ۲۰ درصد جمعیت شهر تهران که اکثر قریب به اتفاق آنها از فقرا هستند، در این بافت‌ها زندگی می‌کنند. به‌عنوان‌نمونه براساس گزارش‌های رسمی سال ۹۴ سازمان نوسازی شهرداری تهران، ۵۲ درصد بافت منطقه ۱۰، ۳۷ درصد بافت منطقه ۱۲ و حدود ۳۰ درصد بافت‌های منطقه ۱۱ و ۱۷ که عمدتا محل سکونت فقرا و طبقه متوسط‌به‌پایین شهری هستند، فرسوده است. بر اساس گزارش خود شهرداری تهران، تا سال ۹۴ تنها ۲۰ درصد بافت فرسوده شهر تهران از سال ۸۵ نوسازی شده است. نکته جالب اینکه تعداد پروانه‌های صادرشده برای نوسازی پس از سال ۹۰ بسیار کاهش یافته است، به‌گونه‌ای که تعداد این پروانه‌ها در سال ۹۳ کمتر از یک‌سوم تعداد پروانه‌های سال ۹۳ بوده و در شش‌ماهه ۹۴ تنها به ۸۷۰ مورد کاهش یافته است.

۷. کیفیت پایین منابع انسانی؛ تبعیض در استخدام و گزینش صلاحدیدی

در حوزه جذب نیروی انسانی، جذب سلیقه‌ای و صلاحدیدی، کماکان یکی از مهم‌ترین معضلات سازمانی شهرداری تهران است که علاوه بر تبعیض‌آمیزبودن، منجر به هدررفت منابع در اثر جذب نیروهای نامتجانس با نیازهای سازمانی شده است؛ از کل شاغلان شهرداری تهران در سال ۹۴، حدود ۲۰ درصد (۱۹،۴ درصد) فاقد دیپلم، ۳۴،۲ درصد دیپلم، ۱۳،۶ درصد فوق‌دیپلم و تنها حدود ۴۰ درصد مدرک تحصیلی لیسانس به بالا دارند. جالب است که تعداد قابل‌ملاحظه‌ای از همین افراد مدارکشان را از دانشگاه علمی-کاربردی خود شهرداری تهران اخذ کرده‌اند و درواقع فاقد کیفیت و صلاحیت علمی سطح بالا هستند. در یک نمونه تنها به گزارش سازمان بازرسی کل کشور چهارهزار و ۲۰۰ نفر از پرسنل شرکت بهره‌برداری متروی تهران در سال‌های ۹۱ و ۹۲ بدون برگزاری هرگونه آزمون استخدامی و مصاحبه علمی جذب شرکت مترو و بر اساس اظهارات رحمت‌الله حافظی، عضو اصولگرای شورای شهر، هزارو ۳۱۹ نفر از آنها به حوزه مدیرعامل اضافه شده‌اند. پرسنلی که تعداد آنها ۸۲ درصد افزایش داشته و میزان حقوق و اضافه‌کاری آنها از حدود چهار میلیارد تومان در سال ۹۰ به حدود ۱۵میلیارد تومان در سال ۹۲ رسیده، یعنی معادل ۲۷۵درصد افزایش یافته است. براساس این گزارش، ۴۰۰ نفر از این پرسنل جذب‌شده اخیر بالای ۴۰ سال سن دارند که مدرک تحصیلی ۵۰ درصد این افراد زیر دیپلم بوده، همچنین ۳۰ درصد هم زیر پنجم ابتدایی یا بی‌سواد هستند، اما نکته مهم دیگر، استخدام ۳۰۰ نفر از نیروهای شرکت بهره‌برداری مترو منتسب به افراد خاص است که در گزارش سازمان بازرسی کل کشور به آن اشاره شده است. از اینها گذشته شهرداری تهران با راه‌اندازی دو شرکت هادیان‌شهر و خدمات اداری شهر اقدام به عقد قرارداد با نیروهای جذب‌شده می‌کند و به این شیوه از مواجهه مستقیم با نیروهای جذب‌شده استنکاف می‌ورزد تا به این طریق دست بالا را در لغو یا تغییر قرارداد داشته باشد که این خود می‌تواند به‌نوعی استثمار نیروی کار تلقی شود. در موردی دیگر نیز باید به نبود نظام شایسته‌سالاری در شهر تهران اشاره کرد؛ بخش قابل‌توجهی از مدیران ارشد فعلی شهرداری از نهادهای خارج از شهرداری و بدون تخصص مرتبط وارد حوزه مدیریت شهری شده‌اند.جابه‌جایی مدیران شهری هم از نکات حیرت‌انگیز است؛ در موردی دیگر، معاون خدمات شهری با سابقه‌ای چندساله و مدرک علوم سیاسی به معاونت فرهنگی و اجتماعی منتقل شد! و معاون ترافیک با حدود ۱۰ سال سابقه در این حوزه به معاونت منابع انسانی انتقال یافت.

***دانشجوی دکترای توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی دانشگاه علامه و کارشناس اقتصاد شهری**

یادداشت

روحانی از پاسخ به مطالبات زنان باز ماند

● هفته گذشته حسن روحانی، کابینه خود را به جز گزینه وزارت علوم برای اخذ رأی اعتماد به مجلس معرفی کرد. کابینه‌ای که در آن ۱۷ وزیر با ترکیب صددرصد مردانه معرفی شدند و دراین‌میان رئیس‌جمهور منتخب از پاسخ‌گویی به مطالبات زنان باز ماند و سهم‌شان از کابینه، برکناری از دو مسئولیت اصلی و محول‌کردن وظایف ستادی بود.حسن روحانی، کاندیدای ریاست‌جمهوری، در سخنرانی‌های مختلف خود، نسبت به تبعیض‌های ناروا و محدودیت‌های اعمال‌شده علیه زنان اعتراض کرد و دولت دوازدهم را دولتی عدالت‌خواه و مدافع حقوق زنان برشمرد. سخنانی که شعف و امید را در جامعه زنان و به‌ویژه فعالان آن حوزه برانگیخت. دولت منتخب، در ایام انتخابات با این گفتمان با زنان سخن گفت و پشتوانه رأی خود را در جامعه بر مبنای دیدن زنان و حق آنها تعریف کرد. همین موضوع یکی از دلایل اصلی پیشی‌گرفتن حضور زنان در پای صندوق‌ها برای رأی مجدد به دولت تدبیر و امید نسبت به مردان شد؛ اما کابینه معرفی‌شده دولت دوازدهم پیامی دیگر داد که مواضع پرصلابتش در ایام انتخابات درباره زنان فروکش کرده و از معرفی گزینه زن برای احراز پست وزارت امتناع کرد. این مهم تنها در معرفی‌نکردن زنان برای وزارت نبود؛ بلکه در جابه‌جایی زنان از سازمان‌های اجرائی و واگذاری آنها به مردان بود! انتخاب‌نکردن زنان برای حضور در کابینه، دلایل متعددی می‌تواند داشته باشد، برجسته‌ترین دلایل این مهم شاید در این موارد باشد:

۱- نخستین دلیلی که از زبان مسئولان مختلف بارها به گوش رسید، محدودیت فیزیولوژیکی و فقدان گزینه‌ای در حد پست وزارت برای زنان بود. نکته جالب درباره محدودیت‌های فیزیولوژیکی زنان آن است که برخلاف زنان، مسئولان بارها و در تریبون‌های مختلف بحث محدودیت‌های جسمانی را مطرح کردند؛ موضوعی که عملکرد زنان در سطح جهان آن را نقض می‌کند. درباره فقدان گزینه شایسته برای پست عالی اجرائی کشور، هرچند در ایام انتخابات بارها بر توانمندی و ضرورت به‌کارگیری زنان پرداخته می‌شد؛ اما در صورت تأیید این فرض که بعد از گذشت نزدیک به چهار دهه از پیروزی انقلاب در بین نیمی از جمعیت کشور، حتی یک گزینه برای حضور در پست ارشد اجرائی تربیت نکرده‌ایم، نشان‌دهنده نقصان و ضعف جدی است، هرچند نیم‌نگاهی به کارنامه و موفقیت‌های چشمگیر زنان در نزدیک به ۴۰ سال، حکایت‌کننده انقلابی بزرگ در حوزه زنان است.

۲- دلیل احتمالی بعدی را درباره معرفی‌نکردن گزینه زن در پست وزارت به وجود محدودیت و فشارهایی در خارج دولت نسبت می‌دهند. سخنی که از هر جنبه در راستی‌آزمایی، مردود می‌شود؛ زیرا اگر مانع وجود دارد، چرا در دولت پیشین تابوی حضور شکسته شد و چرا در ایام انتخابات به وجود این موانع اشاره‌ای نشد؟ انتظار افکار عمومی از رئیس‌جمهوری با پشتوانه و اقتدار ۲۴میلیونی آن است که با فرض وجود مانع، سعی در رفع آن داشته باشد.

۳- مسئله بی‌اعتمادی به شایستگی و توانمندی زنان برای حضور در کابینه که بارها مسئولان نشان دادند برخلاف سخنان‌شان در مناسبت‌های گوناگون، در عرصه عمل کماکان قائل به نگاه سنتی نسبت به زنان و بی‌اعتمادی به نقش‌آفرینی‌شان هستند. با پایش و بررسی دلایل مذکور، به نظر می‌رسد ریشه اصلی استمرار وزرایی با ترکیب صددرصد مردانه به فقدان اعتماد به صلاحیت زنان برای زمامداری امور و پایداری نقش‌های جنسیتی برمی‌گردد.

ادامه در صفحه ۱۷

جدول ۲۸۹۶ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- رمانی نوشته احمد دهقان - پروردگار عالم ۲- بوی تند و نامطبوع- دوست - فیلم جدید حمید نعمت‌الله ۳- بیماری ویروسی دستگاه تنفس- شک و تردید- کتابی درباره رشادت‌های مردم خرمشهر نوشته سیده اعظم حسینی ۴- پایتخت تبت- ششم- بهتر ۵- مترجم- معادل فارسی باتری ۶- بیستمین سوره قرآن کریم- گوشه‌ای در دستگاه نوا- زادگاه کمال‌الملک ۷- حرف پیروزی- گدا- درنگ و آهستگی در کار ۸- پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات ناجا- استراتژیک- فرمان سکوت ۹- غم‌انگیز- خوراک خوشمزه‌ای از فیله گوساله- پیش درآمد آشغال ۱۰- ماکت- در بیان علت به کار می‌رود- از مصالح ساختمانی ۱۱- ساحر- ورزشگاهی در میلان ایتالیا ۱۲- درست‌نویسی- طعنه و سرزنش- کاوش ۱۳- چهره- میمون آدم‌نما- واضع شریعت ۱۴- شعر یا داستان با محتوای اخلاقی و آموزشی- لغت‌شناس- کلمه استثناء ۱۵- عسل- کشوری بسیار کوچک در شمال اقیانوس آرام.

عمودی:

۱- ترسو- باد ویرانگر- قوای نظامی یک کشور ۲- از ادات پرسش- راهنمایی‌کردن- سریال تلویزیونی ۳- مجاور- وضعیت روحی و جسمی- دشمن سرسخت ۴- دین برتر- محبوس ۵- لباس حج- لباس کشباف- بدپیله ۶- دارای اخلاق و رفتار خشک- اصول و مبانی- از سبزی‌های خوردنی ۷- چه وقت- جانماز- زدانش دل پیر... بود ۸- به هیچ‌وجه- سارق اماکن شلوغ- میز پایه کوتاه ۹- خداحافظی- سروری- سخن زیر لب از روی خشم ۱۰- دستیار- به خاک سپردن میت- نامبارک ۱۱- دهستانی در سنندج با قرآن تاریخی و قدیمی- دادخواهی- خصلت‌های نیکو ۱۲- راه عمومی شهر- مأمور پلیس ۱۳- عادت- گوشه و کناره هرچیز- لرزه ۱۴- اداره‌ای از تشکیلات قضائی- مرکز کهگیلویه‌وبویراحمد- وسط ۱۵- بعد از مهر- جلوس کرده- رسیدن به معشوق.

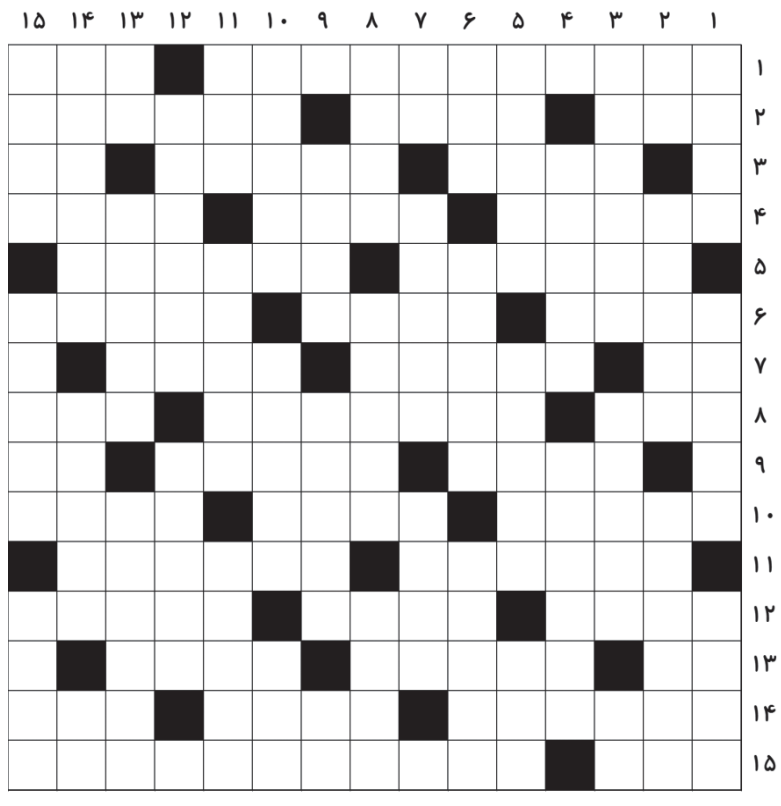

حل سودوکو سخت

۳	۴	۲	۵	۹	۶	۸	۱	۷
۹	۸	۱	۴	۳	۷	۶	۵	۲
۶	۷	۵	۱	۲	۸	۴	۹	۳
۵	۶	۷	۸	۴	۱	۳	۲	۹
۸	۲	۳	۹	۶	۵	۱	۷	۴
۱	۹	۴	۲	۷	۳	۵	۸	۶
۲	۵	۹	۳	۸	۴	۷	۶	۱
۴	۱	۶	۷	۵	۹	۲	۳	۸
۷	۳	۸	۶	۱	۲	۹	۴	۵

حل سودوکو ۱۸۹۱

۲	۴	۸	۳	۶	۹	۱	۵	۷
۳	۷	۵	۲	۸	۱	۶	۹	۴
۹	۶	۱	۷	۵	۴	۳	۲	۸
۶	۵	۳	۴	۱	۷	۲	۸	۹
۱	۹	۷	۶	۲	۸	۵	۴	۳
۴	۸	۲	۵	۹	۳	۷	۱	۶
۵	۲	۴	۸	۷	۶	۹	۳	۱
۸	۱	۶	۹	۳	۲	۴	۷	۵
۷	۳	۹	۱	۴	۵	۸	۶	۲

جدول ۲۸۹۵

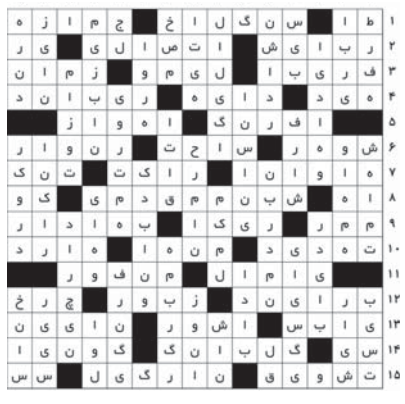

سودوکو سخت ۱۸۹۲

	۷				۱		۹	۶
	۶			۴	۵			
۱		۸						۷
		۷				۶		۵
۶	۵			۸			۳	
		۹	۲			۸		
۲	۳							۹
				۷	۴	۲		
	۹		۳		۲		۴	

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۱۸۹۲

۶		۴				۹		۷
	۷			۸	۹			۳
	۳	۲		۷		۵		۴
	۹	۸	۶	۴	۲			
۴	۲	۵	۷		۱			
			۳	۵	۸	۴		۲
		۶	۵				۷	
۷	۱		۸		۴			
۲		۳	۹			۱		۸

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.